علم جغرافی (غربی): آفتاب نصف شب

این اوقات یعنی از چند سالی باینطرف صحبت غالب در ایران از سیاسیّات است و قسمت غالب مردم از آنان که در علّت تنزّل و تأخّر ایران‏ فکر میکنند همه را در خصوص نواقص اداره و حکومت و معایب دولت‏ در ایران و کامل بودن آن در اروپا غور نموده و گمان میکنند که جهت‏ اینکه ایران اینقدر بطور ترّحم‏انگیز و شرم‏آمیز از فرنگ عقب مانده آن‏ است که توپ و قشون منظّم،بودجهء مرتّب،پول زیاد،دستگاه دولتی‏ خوب و مترقی ندارد.لکن باید دانست که این فقره فقط یک جزء از هزاران جزء کار است نه قسمت اجتماعی است.هر عوام فرنگی از قطب شمال و جنوب و سفرهای علمی برای کشف آنجا شنیده و خوانده‏ و هر ایرانی عوام زمین را روی شاخ گاو و دجّال را در چاه اصفهان میداند.

ما در صفحات«کاوه»برای روشنی تامّ این فرق فاحش در تحت‏ عنوان فوق یعنی«مناظرهء شب و روز»و در ستون مخصوص قطعاتی‏ متفرقّه از علوم حقیقی و نورانی و مثبت اروپا در هر زمینه و علوم‏[یا جهل‏] تاریک مشرقی در همان باب بتدریج در«کاوه»درج میکنیم که تفاوت شب‏ و روز در مقام مناظره چشم زنند و بارز باشد چنانکه در شمارهء گذشته‏ «کاوه»نمونه‏ای از این قبیل مقاله را در خصوص«علم حیوان‏شناسی» و«فقه اللّغه»بنظر خوانندگان رساندیم..و در این شماره نیز مختصری از علم مسالک و ممالک(جغرافی)«غربی»و«شرقی»ذیلا درج میشود و بدین ترتیب مانند«موزه»ای که در آن نمونه‏ای فلاخن و تیر و کمان عهد عتیق پهلوی توپ مسلسل آخرین طرز گذاشته شود در صفحات کاوه‏ تماشاخانهء کوچکی از پهلو بپهلو گذاشتن محصول عقل فلاخن اندازهای‏ قدیم(که هنوز هم نزد اخلاف وفادارشان که تفنگ را بتقلید استعمال‏ میکنند حجّت است)و نتیجهء علم توپ‏سازها بعمل میآید که بی‏تماشا نیست.

علم جغرافی‏ غربی‏ آفتاب نصف‏ شب

معلوم است که بواسطهء عرض شمالی و جنوبی هر نقطه‏ و بنسبت بعد از خطّ استوا روز و شب در آنجا درازتر و کوتاه‏تر میشود مثلا در نصف کرهء شمالی در تابستان‏ روزها بلند و شبها کوتاه میشود و در زمستان‏ بالعکس.این بلندی و کوتاهی روز و شب بنسبت زیادی عرض جغرافیائی‏ هر نقطه افزونتر میشود مثلا در خاک ایران در چابهار از سواحل‏ بلوچستان که عرض شمالی آن قریب 25 درجه است بلندترین روز تابستان 13 ساعت و 33 دقیقه است و در تبریز که عرضش 38 درجه‏ است بلندترین روز تابستان 14 ساعت و 40 دقیقه است.در برلین‏ پایتخت آلمان که عرض شمالی آن قریب 52 درجه و نیم است بلندترین‏ روز قریب 16 ساعت و 40 دقیقه است و در پترسبورگ که 60 درجه‏ عرض دارد بلندترین روز 18 ساعت و نیم در شهر آرخانژل در شمال‏ روسیّه که نزدیک به 65 درجه عرض دارد(یا قدری در شمال آن) بلندی روز به 21 ساعت و 8 دقیقه میرسد.در 66 درجه و نیم عرض‏ شمالی مانند نقاط شمالی کانادا و سوئد و روسیّه بلندترین روز 24 ساعت‏ است یعنی در ابتدای تابستان(اوّل سرطان)آفتاب دیگر غروب نمیکند و در نیمهء شب(ساعت دوازده فرنگی)باز دیده میشود و از این درجه بالاتر روز باز بلندتر است یعنی طول روز در موسم مذکور معادل چندین شبانه‏روز ما میشود چنانکه در 67 درجه و 23 دقیقه عرض بلندی روز بیک ماه و در 69 درجه و 51 دقیقه بدو ماه و در 73 درجه و 40 دقیقه بسه ماه‏ و در 78 درجه و 11 دقیقه بچهار ماه و در 84 درجه و 5 دقیقه به‏ پنج ماه و در خود قطب(یعنی 90 درجه عرض)بشش ماه میرسد.مقصود ما صحبت از نقاطی نیست که باشکال میشود آنجا رسید بلکه منظور تعریف‏ نقاطی است که شهرهای آباد و متمدّن در آن واقع است و با راه‏آهن‏ بکمال آسانی مسافرین بدان نقاط برای تماشای«آفتاب نصف شب»در تابستان میروند.

از بهترین این نقاط در فرنگستان که از حیث مسافرت آسانترین محلّها است کوه گلیوارا1است در شمال مملکت سوئد که از استوکهولم با خطّ راه‏آهن بقصبهء واقع در آنجا مستقیما میروند.این قصبه قریب 000'12 نفر سکنه دارد.تپّهء گلیوارا که نزدیک این قصبه بفاصلهء دو ساعت راه پیاده‏ از ایستگاه راه‏آهن واقع است مهمانخانهء خوبی دارد که در آنجا از 15 جوزا تا 17 سرطان تماشای آفتاب نصف شب را میکنند.

معلوم است که در نقاط دارای عرض زیاد که روز در اواخر بهار و اوایل تابستان چنانکه شرح داده شد خیلی بلند میشود برعکس در اواخر پائیز و اوایل زمستان بهمان نسبت روز کوتاه و شبها بهمان اندازه‏ بلند میشود.

اینک جدول مختصری مشتمل بتناسب عرض نقاط و بلندترین روز یا شب آنها مزیدا للتّوضیح در اینجا ثبت میشود:

سرچشمه رود نیل

رودخانهء نیل که در مصر جاری شده و بدریای قلزم(مدیترانه) میریزد یکی از درازترین رودخانهای دنیا است و در واقع‏ بعد از رود میسی‏سیپی-میسوری در آمریکای شمالی آن‏ رودخانه درازترین نهر روی زمین است.طول این روخانه 6397 کیلومتر یعنی بیشتر از هزار فرسخ است(از دریاچهء ویکتوریا باین طرف‏ 5589 کیلومتر است).در زمان قدیم و حتی تا یک قرن پیش منبع‏ این رودخانه از مجهولات و معمیات و از اسراری بوده که دربارهء آن‏ افسانهای زیادی متراکم شده بود ولی مجاهدات علما در قرن اخیر این‏ نقطهء تاریک را نیز روشن کرده و فعلا معلوم شده که این رودخانه ابتدا درشمال دریاچهء تانگانیکا در آفریقای مرکزی تولید و در 2 درجه‏ و 45 دقیقه عرض جنوبی باسم کاگرا یا نیل‏آلکساندرا شروع بجریان کرده‏ و پس از پیمودن مسافتی بطرف مشرق و شمال در 55 دقیقه عرض جنوبی‏ در ساحل غربی دریاچهء ویکتوریانیانزا بآن دریاچه منصّب میشود.از دریاچهء مذکور دوباره از سمت شمالی آن خارج شده و بطرف شمال غربی‏ جریان میکند و در هر ناحیه باسمی دیگر نامیده شده از ساحل شرقی دریاچهء آلبرت‏نیانزا ردّ شده و پس از گذشتن از آبشارهای چند باسم«بحر الجبل» جاری میشود و از خاک مملکت اوگاندا و بحر الغزال و سودان جنوبی‏ عبور میکند.این رودخانه هرچه بطرف شمال میرود عریض‏تر میشود و بسبب ملحق شدن آبهای کوچک و بزرگ بآن بر پهنای خود میافزاید تا بالأخره در حوالی شهر خرطوم(که حالا پایتخت سودان مصری است) به«نیل کبود»که از کوههای حبشستان رو بمغرب جاری میشود و به«بحر الأزرق»موسوم است ملاقی میشود و پس از آن از خاک سودان و نوبه‏ و مصر ردّ شده بدریا میریزد.مساحت سطح مجرای نیل از منبع تا مصبّ‏ آن بحسابی که آقای لیونس‏1کرده(در روزنامهء جغرافیائی انگلیسی، سنهء 1905 میلادی)600'867'2 کیلومتر مربّع است که بیش از یک‏ برابر و نیم مساحت خاک ایران میگردد.

سرچشمهء نیل چنانکه گذشت در زمان قدیم جزو اسرار غامضه‏ای‏ بود که علما بکشف آن میکوشیدند ولی تا سنهء 1279(یعنی 59 سال پیش‏ از این)کسی بکشف و حلّ این معمّا قادر نشده بود.در سال مزبور سیّاحان انگلیسی اسپکه‏2و گرانت‏3منشأ این رود را تا دریاچهء ویکتوریانیانزا رسانیدند و در سنهء 1293 ستانلی‏4سیّاح انگلیسی معروف رود کاگرا را که منبع اصلی است کشف و مسئلهء هزار ساله را حلّ کرد.

بزرگترین جزیزهء دنیا

جزیره‏ای که از حیث پهنا(اگر استرالی را جزیره‏ حساب نکنیم)بزرگترین جزیرهء دنیا و از حیث سکنه کم‏ جمعیّت‏ترین اراضی است جزیرهء گرینلند5است در منطقهء قطب شمالی و از مستملکات دولت دانمارک.این جزیره که از 59 درجه‏ و 45 دقیقه عرض شمالی شروع کرده و تا 83 درجه 38 دقیقه ممتدّ میشود در شمال شرق آمریکا واقع شده و 000'200'2 کیلومتر مربّع‏ قریب یعنی بیک برابر و نیم تمام خاک ایران مساحت دارد و فقطی قسمت‏ سواحل جنوبی آن بمساحت قریب 000'90 کیلومتر مربّع مسکون است‏ و باقی جزیره از یک قطعه یخ عمیق پوشیده شده.بموجب احصائیّهء نفوس‏ سنهء 1319 در این جزیره و تماما در قطعهء مسکون سواحل جنوبی(باستثنای‏ قریب 240 نفر طایفهء اسکیمو که در نقطه‏ای در حوالی عرض 78 درجه‏ ساکنند)فقط 893'11 نفر ساکن میباشند که 621'11 نفر آن اهالی بومی‏ معروف به اسکیمو و 272 نفر دیگر اروپائی بوده است.اسکیموها خلقت‏ و عادات و ترتیب زندگی عجیبی دارند و قدّ آنها خیلی کوتاه است و همهء ترتیبات زندگی آنها مطابق شرایط زندگی قطبی است که شرح آن از موضوع‏ ما خارج است.

شرقی‏ عرض و طول‏ دنیا

عبد اللّه بن عمرو گفت دنیا پانصد هزار سال راهست چهار صد سال آن خراب و صد سال آن آباد است و مسکن مسلمین از آن یک سال است

[احسن التّقاسیم للمقدّسی.صفحهء 62]

این تحقیق باطل میکند عقیدهء باطلهء یکی از کفّار موسوم به ژول‏ورن‏1را که‏ زعم کرده است در هشتاد روز میتوان دور دنیا را طیّ کرد،خلّد اللّه عذابه!

منبع رود نیل

سرچشمهء رود نیل از زیر یک دیوار عظیمی که دیوار بهشت است(یعنی حایل است مابین بهشت و دنیا)بیرون‏ میآید و بیک گنبدی از طلا میریزد و این گنبد بر روی‏ زمینی است از آهن که کوهها و درختهای آن از طلا میباشد و شخصی موسوم به حائذ بن ابی شالوم بن العیص آنجا رسیده درحالی‏که سوار یک چهارپائی(دابّه)شده که خورشید را هر روز وقت طلوع میخواهد ببلعد و خواسته بود که از دیوار بهشت بالا برود که ناگاه یک ملکی بر او ظاهر شده و گفته«بایست اینجا بهشت است و مقصود تو سرچشمهء نیل بود که کشف کردی و دیگر بس است».

[احسن التّقاسیم،صفحهء 21-22]

از این تحقیق فاضلانه نیز که قریب هزار سال پیش‏2در کتاب جغرافی مذکور درج شده معلوم میشود که کاشف تاریخی سرچشمهء نیل نه اسپکه سابق الذّکر است و نه‏ ستانلی بکله حائذ بن ابی شالوم مرحوم است که زحمت این کار را کشیده و فرنگیها از راه حسد و غرض و کم کردن افتخارات قدیمهء ما مسلمانان و چسباندن همه چیز را بخود عمدا اغماض کرده و ستانلی را کاشف شمرده‏اند!!

جزیرهء واق‏واق

جزیرهء واق‏واق در دریای چین است و متّصل است‏ بجزایر زانج و بآنجا بدلالت ستاره‏ها میروند و گفته‏اند که آن‏ هزار و ششصد جزیره است و جهت نامیدن این جزیره‏ باین اسم آنست که در آن جزایر یک نوع درختی است که‏ میوهائی دارد بشکل زن که از زلف خود از درخت آویخته‏اند و چون بنزدیک‏ آنها برسی صدای واق واق از آنها شنیده میشود و اهل آنجا از این صدا چیزی میفهمند و بفال بد میگیرند.محمّد بن زکریّاء رازی گفته که در آن نقاط طلای فراوان است بحدّی که اهل آنجا زنجیر سگها و قلاّدهء میمونهای خود را از زر ناب میکنند و پیراهنهای زربفت میآروند و موسی بن المبارک السّیرافی حکایت کرده که وی باین مملکت داخل شد و پادشاه آنجا زنی بود و وی او را دید برهنه بر بالای تختی و بر سرش‏ تاجی و پیش او چهار هزار نفر خادمهء باکره و عریان بپا ایستاده.

[آثار البلاد،صفحهء 22]

(1) Jules Verne

(2)کتاب«احسن التقاسیم»در سنهء 375 تألیف شده یعنی درست 963 سال‏ پیش از این.

صاحب برهان جامع از متأخرین(بنابر آنچه در حافظهء نگارنده مانده)بر این معلومات‏ مبلغی نیز افزوده و بواسطهء ترقّی علم بمرور زمان(!)شرح کامل‏تری در لغت«وقواق» درج کرده که از آن معلوم میشود که حجّاج بیت اللّه الحرام در سفر مکّه اغلب بدان‏ جزیره درآمده و از این میوهای خوشگل چیده و آنچه لازمهء معاملهء یک مؤمن‏ مواظب ببسنّت شرعی است بجا آورده و پس از سه روز این زنهای درختی(بدبختانه) میمرده‏اند.و از شیخ احمد بحرینی روایت میکند که او از حجّاج نقل کرده که لذّت‏ آن جزیره در کام آنها مانده بود و اتمار قشنگ درختان آنجا را(که محتاج بادای‏ حقّ متعه نبوده)بر میوه‏های شیرین ولایت خود از این قبیل ترجیح میدادند.خلاصه‏ معلوم میشود این جزیره با آن همه طلا و میوه‏های حلال حوری‏منش فراوان درست‏ باب طبع و جای مؤمنین ایران است(!!).

جامع المعقول و المنقول.

اساس انقلاب اجتماعی‏ تربیت زنان

مقالهء ذیل را سرکار علیّه ژزی خانم زوجهء محترمهء آقای جمال‏زاده که از خانمهای فاضله و تربیت‏شده و دارای تحصیلات عالیه در ادبیّات هستند در موضوع مهمّ تربیت زنان برای روزنامهء کاوه مرقوم داشته‏اند و ما با کمال‏ تشکّر و خوشوقّی آنرا بفارسی ترجمه و زیب صفحات کاوه نمودیم:

اخیرا شنیده شده که مدرسه‏های زنانه در طهران خیلی توسعه یافته و اکنون قریب پنج هزار دختر در آن شهر بطرز جدید مشغول درس‏ خواندن هستند.این خبر اسباب شادمانی فراوان برای اینجانب گردید چه‏ خبر مذکور حاکی است بر اینکه بالأخره خواهران ایرانی من شرافت‏ خود را دریافته دارند بیدار میشوند و در کار برطرف ساختن سستی‏ و بطالتی هستند که قرنهای متمادی بواسطهء زور عادت و موهومات بدان‏ گرفتار بودند.

این مسئله بدیهی است-و فقط اشخاص از بیخردان قایل بآن نیستند- که زن هم مثل مرد در این دنیا برای انجام تکلیفی آفریده شده است‏ که ولو آنکه از تکلیف مردها کم‏فروغ‏تر است و نظر را کمتر میزند ولی‏ اهمیّتش بهمان اندازهء تکلیفی است که بر جنس ذکور وارد میشود. هیئتهای دولت در ممالک مختلفه در راه تدارک لوازم آنچه که برای تربیت‏ پسران و جوانان و حاضر نمودن آنان باجرای تکلیفی که در نفع عموم و خیر کافّهء مردم بر آنها وارد است از هیچگونه صرف مخارج مضایقه‏ نمینمایند و از تأسیس اقسام مختلف مدرسه‏ها که در آنجا بزرگترین استادها با طرزهای عالی و اسباب کار گرانبها مشغول تکمیل تربیت و تعلیم پسران‏ هستند خودداری نمیتوانند.ولی آیا دربارهء دختران هم بهمین‏طور معامله میشود؟در یک قسمت بزرگی از اروپا و امریکا میتوان باین‏ سئوال جواب مثبت داد:تقریبا از بیست سال باینطرف در خصوص‏ مسئلهء مذکور انقلاب بزرگی در عقاید مردم بعمل آمده است و همه جا مدارس متوسّطه و غیره برای زنان باز شده است و دار الفنونها هم که‏ مدّتها بر روی زنها مسدود بود ابواب دخول را بروی آن طایفه باز نمودند و امروز در اروپا عدّهء دخترانی که در دار الفنونها درس میخوانند بده‏ هزارها بالغ است.در آسیا ژاپن در مسئلهء ترقّی و تربیت زنان پیشرو قافله است و حتّی در توکیو که پایتخت آن مملکت است یک دار الفنون‏ برای زنها موجود است که در تمام آسیا بدبختانه دیگر دوّمی ندارد.در سنهء 1325(1907 میلادی)عدّهء محصّله‏های ژاپنی 32 هزار بود و بطور یقین میتوان گفت که این عدّه حالا مضاعف هم شده است.

ولی آیا جهت چه بود که قرنها چند زنها را باستثنای عدّهء معدودی‏ از برکت تعلیم محروم داشته بودند؟جهات این مسئله متعدّد بود و یکی‏ از آن جهات ادّعای پائین‏تر بودن درجهء قابلیّت علمی جنس زن بود نسبت‏ بجنس مرد.یکی از دلایل بزرگی که برای اثبات این ادّعا اقامه میشد بقول علما حجم و وزن مغز سر زن بود که میگویند از مغز سر مرد کوچکتر و سبکتر است ولی خوشبختانه که استادان امروزهء علم معرفة الأانسان‏1ثابت نموده‏اند که اندازهء مغز دلیل مطلق بر قابلیّت علمی‏ جانداری نیست.مثلا یکی از کوچکترین جمجمه‏هائی که دیده شده جمجمهء ولتر2فیلسوف و نویسندهء مشهور فرانسوی است و گویا هیچوقت کسی‏ نسبت حماقت بوی نداده باشد در صورتیکه نهنگ را میگویند دارای‏ بزرگترین مغزهاست و باوجوداین هیچوقت بخیال کسی نرسیده که او را از اعجوبه‏های دهر بشمار آورد و حتّی در میان حیوانات همجنس خود معلوم نیست باهوش‏ترین آنها باشد.و حقیقة باید اقرار کرد که گذشتگان‏ برای سنجیدن درجهء لیاقت اشخاص بوسایلی متوسّل میشده‏اند که امروز اندکی طفلانه بنظر میآید.و فرضا هم که حجم و وزن دماغ زن کمتر از مرد و بدین سبب هم تکامل قوای عقلی او قدری از مرد عقب‏تر باشد این مطلب چه مناسبتی دارد با حقوق بشری و زندگی او؟آیا میتوان‏ معقول شمرد که ترکیب دماغ و یا استخوان‏بندی بدن و بلندی و کوتاهی‏ قد هیچ نوع نسبت و تربیت یافتن و آزاد بودن و اسیر نشدن داشته باشد؟ دلایل دیگری هم که عموما برای فزونی درجهء لیاقت و استعداد مرد بر زن اقامه میشد دارای اسا جدّی و قاطعی نیست و اقبال و شور و خروش زنها بطرف تعلیم و تربیت اغلب دلایل مزبور را بکلّی یا باطل‏ نموده و یا در کار باطل نمودن است.فوریه‏3استاد علوم اجتماعی معروف‏ و مؤسّس طریقهء مشهور«زندگانی دسته‏جمعی»4را عقیده آنست که‏ میزان متوسّط هوش و فراست زن کمتر از مرد نیست.

در مشرق زمین مسئلهء آزادی تعلیم و تعلّم و تربیت زنها از طرفی‏ دارای هواداران پرشور و پر جوشی و از طرف دیگر دارای مخالفینی‏ میباشد کهم بدیدهء سوءظنّ و احتراز بتعلیم زنها مینگرند.دستهء اوّل میگوید زن که رفیق و مونس زندگانی خود و مادر فرزندان ما میباشد باید از پرتو تربیت قابلیّت بار آوردن بچّه‏های ما را پیدا نماید و خود او نیز دارای‏ شخصیّتی گردیده هم مایهء رونق خانه و هم‏پشتیبان معنوی دودمان ما باشد. دستهء دیگر که ترسو و بدگمان هستند میترسند که همینکه زن درس خواند لا بدّ دارای قوّت معنوی خواهد گردید و درصدد آزادی و عدم انقیاد برخواهد آمد و کمتر بخانه‏داری و بچّه‏هایش خواهد پرداخت و خلاصه‏ (1) Anthropologie

(2) Voltaire

(3) F.M.C.Fourier(1772-1837)

(4) Phalanste?re (فالانستر)اسمی است که فوریه بیک نوع منزلهای بسیار بزرگ‏ عمومی داده که قریب 400 خانوار میتوانند در آنجا منزل نمایند و در همانجا هم کار کنند و مطبخ وخیّاطخانه و مریضخانه و تماشاخانه و غیره عمومی و مشترک باشد.